

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[بحث در جواز و عدم جواز تبعیض سوره در نماز]

استاد: همه مطالعه کردند؟ شما بفرمائید نسبت به این قضیه نظرتان به چه رسیده؟

تلمیذ: روایاتی که در این مورد وارد شده دو دسته است:

روایات دسته اول که سوره کامله را مطرح کرده است

[روایات] دسته دوم که تبعیض را جائز می داند ...

ولی یک مشکلی که در فتاوا بیشتر به چشم می خورد- با اینکه روایات دسته دوم را ترجیح می دهند- به یک نقطه ای که می رسند اینجا پای احتیاط [را پیش می کشند و] روایات دسته اول را ترجیح می دهند، ... مطرح کرده است که عرفیات هر جامعه یا گروهی آمده در خود روایات ما تأثیر گذاشته و آن را تحت الشعاع خودش قرار داده. در این مسئله یا مسئله [نماز مغرب در وقت] غروب یا جمع بین نمازها و ... یا احکامی که عامه در آنها شاخص هستند، این جنبه شیعه گری یا جنبه خاصه آمده این روایات را تحت اللحاظ قرار داده و تا شده این روایات را حمل بر تقیه، حمل بر مخالفت با عامه در حکم [قرار دادند]. مثلاً در روایات دسته دوم، تبعیض، به قول مرحوم آقای حکیم می فرمایند افرادی مثل علی بن یقین یا اسماعیل؟ اینها افرادی نیستند که امام در مقام تقیه با آنها صحبت کرده باشند، چون این افراد محل رجوع علماء و مردم و اصل فتاوا هستند، نمی شود امام با اینها تقیه کرده باشد. به این نحو [مطلب را بیان کردند]. من فکر می کنم گره کار روی همین قضیه ترس از عامه یا عرفیاتی [است] که ما داریم، اکثر فتاوایی که به اجماع یا به شهرت نقل شده به این جهت میل پیدا کرده است.

استاد: پس بنابراین به نظر شما روایات تبعیض از لحاظ دلالت راجح هست. بسیار خوب. حالا نفس خود دلالت دو دسته به چه نحو است؟ یعنی ما در خود دو دسته می توانیم جمع کنیم یا نه، این تعارض بین آنها وجود دارد؟ این را چه کنیم؟

تلمیذ: نمی شود گفت تعارض داشته باشد، دیگر حالت نسبت به آن، افضلیت است یا بهتر، امام اشاره

به آن نمی کند. جنبهٔ وجوب را نمی رساند که به تعارض بکشد، یعنی وجوب سوره باشد بعد در تبعیض بخواهد به حال تعارض در بیاید، یعنی روایات دستهٔ اول عموماً از جنبهٔ وجوب ساکت است، یعنی روایات دستهٔ اول دلالت بر وجوب ندارد

استاد: پس دلالت بر وجوب ندارد. بسیار خوب. خوب نظر بقیه؟

تلمیذ: یک سری روایاتی در وسائل الشیعه دارد که در واقع امام از تبعیض سوره منع کردند، یعنی از اکتفا کردن به بعض سوره در نماز منع کردند.

استاد: کدام روایات است؟

تلمیذ: در خود وسائل الشیعه؟

استاد: ببینیم.

تلمیذ: ببخشید من مطالعه نکردم.

استاد: قرار بر این بود اجتهاداً این مسئله بحث بشود.

تلمیذ: چون ما بحث قبلی را سال گذشته نبودیم، آقای تبریزی این را مفروغ^۱ عنه گرفتند و در بحثی که کردند ظاهراً ایشان حمل بر تبعیض را جاز ندانستند بنابر اکثر فتاوا

استاد: خوب دلیل ایشان چه بوده؟

تلمیذ: می گویم چون من نبودم. ظاهراً روی دلالت اخبار و اینها بررسی کردند. آن روایت... را در آن جا که امام رضا علیه السلام سوال می کند از... ظاهراً کراهت را حمل بر حرمت می کنند، در واقع کل روایاتی را که بررسی کردند و اینها، روایت کراهت را حمل بر حرمت کردند.

استاد: پس بنابراین روایات تبعیض را حمل بر چه کردند؟ تقیه؟

تلمیذ: بله، حمل بر تقیه کردند.

استاد: آن وقت با این مطلبی که ایشان مطرح می کنند چه طور [جور در می آید؟] چون افرادی که حضرت با آنها این روایت را بیان کردند شاید مورد تقیه [در آنجا] معنا نداشته باشد، ما هر جا بگوئیم تقیه، آن شاید [قابل قبول] نباشد. به نظر شما چه می رسد آقا؟

تلمیذ و استاد به زبان عربی

استاد: پس فقط اشکال شما در اینجا به روایت ثانیه است، شما به سایر روایات ...

تلمیذ: به زبان عربی

تلمیذ: همین روایت را که ایشان مطرح می کنند خود همین روایت هفتم جواب می دهند. حضرت می گویند: کل ذلک لا بأس به، یعنی چه؟ یک سوره دیگری را بخواند یا تا همین جا که غلط خوانده رها کند؟

استاد: و ان قرأ آية واحدة فشاء...، بله روایت داریم که؛ عن زراره قال قلت لابی جعفر علیه السلام رجل قرأ سورة فی رکعة فغلط أیدع المكان الذی غلط فیهِ و یمضی فی قرائة او یدع فی تلك السورة و یتحول منها الی غیرها و قال کل ذلك لا بأس به و ان قرأ آية واحدة فشاء ان یرکع بها یرکع. در اینجا دارد: حمله الشیخ علی النوافل دون الفرائض إلاً مرَّ من اختصاص اجزاء الحمل و؟ المضطر و یأتی ما یکون، این حمل چه وجهی دارد؟ در نظر شما آمده که این روایت را حمل بر نوافل کنید نه بر فرائض؟

استاد: خب شما بفرمائید نتیجة مطالعاتتان به کجا رسید؟ ببینیم بالاخره می توانیم مثل سنی ها نصف سوره بخوانیم یا نه؟ یک کارش می توانیم بکنیم؟ بالاخره...

تلمیذ: مطالعه دقیق نکردم ولی آنچه که در ذهنم جمع آوری کردم ادلة مُجَوِّزه و مُکفیه ما برای اینکه آیه ای یا چند آیه کفایت می کند برای نماز، ما چندین نوع دلیل داریم:

یک نوع دلیل عامی داریم در روایات داریم که فقرأوا ما تیسر من القرآن. هم از رسول خدا صلوات الله علیه داریم، هم از امام رضا داریم. ما چندین روایت به این سبک داریم که تجویز شده، در عین حال تحریر شده که در کل نماز قرائت قرآن بکنید، این یک سری دلیل که عام است.

و یک سری دلیل خاص داریم که فرمودند که اگر سوره ای بیشتر از سه آیه باشد، یعنی چهار آیه، این را انسان می تواند تبعیض کند و در دو رکعت، جدا جدا بخواند و مثل اینها آیات دیگر هم داریم، سته داریم...

استاد: روایتش کدام است؟

تلمیذ: یک روایت این است،...

تلمیذ: روایت پنجم،...

تلمیذ: نه...، حالا روایات که زیاد است، حالا شش تای آن که الان هست، یصل رجل فی الرکتین من الفریضة فقرأ نعم اذا کان ستة آیات، قرء من نصف منها فی الرکعة الاولى و النصف الاخر فی الرکعة... استاد: درست است.

تلمیذ: این یک روایت. یک روایت دیگر داریم که باز از امام...

استاد: در باب چهار هم روایت داریم، می گوید: عن احدهما علیه السلام قال سئلته هل یقسم سورة فی رکعتین؟ قال نعم اقسامها کیف شئت...

تلمیذ: البته این را حمل بر تقیه و نافله کردند.

استاد: تعجب است که مثلاً شیخ حرّ آمده روایاتی که دلالت بر تبعیض می کند آمده آنها را در عدم تبعیض آورده! این چه طور می شود؟

تلمیذ: یک روایت در مورد سیره امیرالمومنین داریم که وقتی حضرت ضربت خوردند در همان حین

ضربت، سورة حمد و ده آیه از سورة انبياء را خواندند. این یک روایت. یک روایت دیگر...

تلمیذ: ...

تلمیذ: ...

استاد: ده آیه خوانده، حضرت می تواند یک قل هو الله بخواند سه آیه. چه داعی دارد که ده آیه بخواند؟

تلمیذ: آن نماز مستحبی بوده، آن خارج از بحث است.

تلمیذ: حالا آن...

استاد: پس در نافله بوده؟

تلمیذ: در روایت این را نیاورده است. از مرحوم ضیاء فی حدیث طویل، آنه قرأ امیر المؤمنین علیه

السلام فی رکعة الاولى من الصلاة التي ضربه فيها ابن ملجم الحمد و احدى عشرة آية من سورة الأنبياء این در

مستدرک است از تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی.

استاد: بله.

تلمیذ: یک روایت دیگر که تهذیب و استبصار هر دو تا نقل کردند که عمر بن یزید می گوید: ا یقرؤ

الرجل السورة الواحدة فی الركعتین من الفریضة، فقال لا بأس إلا...، این یک دسته روایت.

یک دسته روایاتی داریم در رابطه با خواندن خود آیات. مثلاً یک روایات داریم که انسان در بعضی از

[مواقع] حمد بخواند و شش آیه از اول سورة حدید، خب این خودش دستوری است، یعنی چند رقم ما می بینیم

که روایات داریم در تجویزش.

یکی اصلاً عام دارد می گوید که در نماز سورة کوچک قرآن زیاد بخوانید، یکی دارد می گوید نه اگر

شش آیه، سه آیه بود، یا سؤال کردند که می شود یک سورة را تقسیم کرد؟ می فرمایند بله. این یک یک دسته

دیگر از روایات.

دسته سوم که در روایات وارد شده که شما مثلاً حمد را بخوانید با شش آیه از سورة حدید.

تلمیذ: آن در نافله مغرب است

تلمیذ: بله می شود گفت آن برای نافله است. ولی خب در روایات دیگر هم داریم، در نمازهای غیر

نافله، آن هم هست. این یک دسته از روایات. و روایات مجوزه هم زیاد است.

تلمیذ: این روایت اول باب پنج هم، خود حضرت اصلاً در نماز جماعت بوده دیگر.

استاد: این اول؟

تلمیذ: بله.

استاد: بله روایتش این است که: صلی بنا ابو عبدالله او ابو جعفر فقراً بفاتحة الكتاب و آخر سورة

المائدة...، این روایت خیلی روایت مهمی است.

تلمیذ: یک روایت دیگر هم داریم، باز همین بحث تعلیم را می‌کند دیگر. از عبدالله بن سلیمان است. می‌آید خدمت امام، سلیمان بن ابی عبدالله قال صلیت خلف ابی جعفر فقرأ فاتحة الكتاب و آية من البقرة، این غیر از آن است.

استاد: بله، این هم یک روایت پایین‌تر است.

تلمیذ: بله. فجاء به فسئل فقال يا بُنَيَّ إِنَّمَا سَمِعَ؟ ليفقهكم ذلك و يعلمكم، حالا باز هم هست، روایات دیگر زیاد است. اما می‌خواهم بگویم این روایات کثیر است. با این سه دسته‌ای که تقسیم کردیم روایت مجوزه و مکفیه این که سور ناقصه بخوانیم، این زیاد است.

اما روایاتی که آقایان استنباط کردند که دلالت بر حرمت تبعیض سور می‌کند، این روایات، مشکوک است؛ اولاً یک سری روایات مرسله هستند مثل فقه الرضا، و لا تقرأ فی المكتوبة سورة الناقصة و لا بأس فی النافلة، یا دعائم الاسلام که باز هم نهی شده از تبعیض سور، اینها همه مرسله هستند و صحیح السند نیست. یک روایت صحیح السند که باز در سندش اشکال است، مال محمد بن عبد الحمید است که در مورد محمد بن عبد الحمید هم علماء اختلاف دارند. بعضی‌ها می‌گویند نسبت به پدرش توثیق کرده بعضی‌ها می‌گویند نه، توثیق نسبت به خودش است، خود این روایت هم نسبت به سندش مشکوک است. اما نسبت به دلالتش ما می‌توانیم یک عرضی بکنیم اینجا- حالا نمی‌دانم عرضم درست است یا نه- آن این است که روایاتی که نهی می‌کند از تبعیض، مثلاً بعضی‌ها استدلال کردند به این کسی که بسم الله را نگفته سوره‌ای خوانده، شروع کرده، حضرت فرمودند: نه، یُعید، به این استدلال کردند، ما می‌خواهیم بگوئیم شاید اهل سنت چون آیه بسم الله را جزء سوره نمی‌دانستند و می‌آمدند سوره را بدون بسم الله می‌گفتند، این روایات ناهیه برمی‌گردد به خود این فعل سنی‌ها که می‌آمدند بسم الله را قطع می‌کردند از خود سوره و می‌انداختند، لهذا به خاطر این اهمیت ائمه می‌آمدند این نکته را گوشزد می‌کردند که سوره را کامل بخوانید، یعنی کسی که قصد سوره دارد نیاید بسم الله را بیندازد و از آیه شروع کند برود جلو.

استاد: خب نسبت به مطلب ایشان کسی ایرادی ندارد؟

تلمیذ: همان فرمایشی که پریشب نسبت به بسم الله فرمودید، حرف ایشان را رد نمی‌کند؟...

استاد: نه، ایشان چیز دیگری می‌گویند. ایشان می‌گویند که اهل تسنن بسم الله نمی‌گویند. منظور امام در اینجا این است که یک سوره خوانده بشود که بسم الله در آن باشد خلافاً لعامه.

تلمیذ: یعنی حذف نشود نه اینکه سوره حتماً خوانده بشود، حذف نشود.

استاد: بله حذف نشود.

تلمیذ: در حمد هم بسم الله نمی گویند؟

استاد: نه، البته آهسته می گویند.

تلمیذ: بگویند همان کفایت می کند دیگر، یک بسم الله برای هر دو تا سوره می گویند...

استاد: برای دو تا سوره؟

تلمیذ: سوره حمد و مثلاً آیه ای که می خواهند بعدش بخوانند بجای سوره.

استاد: نه، آن بسم الله برای حمد است برای جای خودش.

تلمیذ: ...؟

استاد: نه، آن راجع به یک سوره دیگر است، راجع به سوره بعد از حمد نظر ایشان این است که امام

علیه السلام فرموده است که سوره بخوان بخاطر این که آن بسم الله را بگوئید. خب اگر این طور باشد ممکن

است که امام بگوید که چند آیه از اول سوره را بخوان با بسم الله، به این کیفیت.

تلمیذ: خب این یک موردش است، موارد دیگر مثلاً لا تقرأ فی المكتوبة؟ من السوره و لا؟ خب در

این جا حضرت می خواهد بگوید سوره را کامل بخوان، اگر قصد سوره داری، کسی که قصد سوره دارد نباید

حذف بسم الله بکند چون قصد سوره دارد. نمی خواهد بگوید اگر می خواهی قرآن بخوانی حتماً بسم الله را

بگو. وقتی که قرار است سوره را بخوانی بسم الله را هم بخوان، کمش نکن.

استاد: نه، اگر این طور باشد خب حضرت می فرماید: لا تقرأ فی المكتوبة اکثر من سورة، اگر قصد

سوره را داری که حضرت نمی فرماید کمتر از یک سوره را بخوان، خودش دارد می گوید من قصد یک سوره

را دارم.

تلمیذ: می گوید کمش نکن، این بسم الله را کم نکن، لا أقل من سورة

استاد: خب این بسم الله گفتن در اینجا...

تلمیذ: یعنی می خواهم بگویم این روایات ناهیه، توجه به آن سیره دارد، آن سیره ای که بسم الله را از

اول سوره ها حذف می کردند، بدون بسم الله قرائت می کردند، این نهی...

استاد: البته عامه بسم الله را حذف نمی کنند، آهسته می گویند.

تلمیذ: در سُور؟

استاد: بله، آهسته می گویند.

تلمیذ: چون در بعضی از سوالها داریم که از امام سوال کردند طرف بسم الله را نگفت و سوره را

خواند، حضرت فرمودند: یُعید

استاد: بله.

تلمیذ: پس معلوم می شود که ...

استاد: اشکالی ندارد.

تلمیذ: بعضی ...

استاد: از عامه؟ بله.

تلمیذ: توجیه دارد این روایت،

استاد: بله، این که ...

تلمیذ: ظاهراً اندازه هم گفته اند، کمتر از یک سوره نه، یعنی به اندازه کوچکترین سوره ای که در قرآن هست مثلاً سه چهار تا آیه هست، در روایات زیادی هم هست که دیگر کمتر از سه آیه نخوانید. اینجا حضرت دارد اندازه را در روایت منصور بن حازم لحاظ می کند ...

تلمیذ: نهی از تبعیض دلالت بر وجوب سوره کامل نمی کند

استاد: این نهی؟

تلمیذ: ... تبعیض نیست، حضرت دارند می فرمایند که به هر حال به اندازه یک سوره، در مکتوبه باید بخوانید.

استاد: بله، یعنی منظور از سوره در اینجا سوره های بزرگ نیست.

تلمیذ: به اندازه یک سوره. کوچکترین سوره در قرآن، حداقل آن سه تا آیه دارد.

استاد: بله این را ما می توانیم ... ببینید سوره در اینجا نکره است، اگر این سوره به قرینه ... منظور کم باشد آن وقت اکثر که قرینه برای اقل است آن هم حکایت می کند به این که بیشتر از یک سوره سه آیه ای نباید خواند چون این اکثر قرینه برای اقل است.

تلمیذ: ما همان را استفاده می کنیم که در قرآن سوره کوچکی که داریم سه تا آیه یا چهار تا آیه دارد.

اکثرش سوره بقره است، دیگر بیشتر از سوره بقره نخوان، یعنی دو تا سوره نخوان.

استاد: چه طور یک هم چنین ...؟ یعنی بیشتر از این یک سوره، یعنی ببینید کمتر از سوره نخوان، به نظر شما منظور این است که کمتر از سوره چون سوره سه چهار آیه است، نباید مثلاً کمتر خواند. آن وقت بیشتر از سوره یعنی فرض بکنید که بیشتر از همان اقل دیگر، بیشتر از همان سوره ای که مورد اقل قرار گرفته، یعنی اگر یک سوره ده آیه ای خواندی اشکال دارد، چون سوره از سه تا کمتر است.

تلمیذ: ...

استاد: چون اکثر قرینه برای اقل است.

تلمیذ: خب اگر ما اقل را برگردانیم به سوره قرآن که سه تا آیه یا چهار تا آیه دارد، اکثرش را هم بر

می گردانیم به سور قرآن که اکثر چه هست؟

استاد: اکثر در مقابل اقل دیگر. می گوئیم آقا نه کمتر از این یک لیوان آب بخور نه بیشتر. این معنایش این نیست که برو آب یک حوض را بخور! منظور از بیشتر، حوض است، منظور از کمتر، لیوان است! در محاوره وقتی دو چیز در قبال هم قرار می گیرند...

تلمیذ: دو چیزی که الان در بین ما مطرح است، قرآن هست که سور مختلفی دارد. اقل دارد و اکثر هم دارد. ما اگر اقل را برگردانیم به این که به قدر یک سوره، اقلاً یک سوره که اقلش در قرآن می شود سه تا آیه یا چهار تا آیه، اکثرش را هم برمی گردانیم به آن سور مختلفی که در قرآن هست.

تلمیذ: اکثر برمی گردد به زیاده بر یک سوره.

استاد: همین، در عرف وقتی که مقابله با یک اقل قرار می دهند به همان برمی گردد

تلمیذ: ما روایتی هم داریم که دو تا سوره کامله نقل می کند.

استاد: بله. بله.

تلمیذ: و لا اکثر یعنی اکثر من سورة واحدة.

استاد: اکثر من سورة واحدة. بله، این در اینجا می تواند توجیه داشته باشد

تلمیذ: اصل در این است که فاقروا ما تيسر من القرآن إلا ما خرج من الدليل، یعنی اصل در نماز و صلاة اصلاً قرآن خواندن است مگر این که یک دلیلی بیاید و بگوید آقا این مقدار بخوان و این مقدار نخوان، لذا محقق کرکی در جامع المقاصد همین طور گفتند با اینکه مبنایشان وجوب سوره کامله هست، می گویند که ما عام داریم...

استاد: نسبت به تبعیض

تلمیذ: بله، فاقروا ما تيسر من القرآن، دلیل داریم که حمد را بخوانیم و دلیل هم داریم که سوره کامله بخوانیم. ایشان می گویند ما دلیل داریم که سوره کامله بخوانیم. اما روایاتی که ما در دست داریم هیچ کدام وجوب سوره کامله را نمی رساند.

استاد: نمی رساند، بسیار خب.

تلمیذ: در آن دو تا روایتی که...

استاد: صلاة حاج آقا رضا را هم دیدید یا نه؟ نظر ایشان چیست؟

تلمیذ: به زبان عربی

استاد: آن وقت دلیلش را؟

تلمیذ: به زبان عربی

تلمیذ: روایت اصلی روایت علی بن رثاب هست و صحیحۃ حلبی؟ در این باب، دو تا روایت...

استاد: کدام روایت‌ها است؟

تلمیذ: باب دوم، روایت اول، دوم، سوم

استاد: خب بخوانید این روایات را.

تلمیذ: روایت اول مال علی بن رثاب هست از ابی عبدالله علیه الصلاة والسلام، قال سمعت يقول إنّ

فاتحة الكتاب تجوز وحدها فی الفریضة. صحیح حلبی هم همین طور از ابی عبدالله علیه السلام است منتهی

سومی آن، إنّ فاتحة الكتاب أُجزی وحدها فی الفریضة، فقط یک روایتی دوباره از حلبی هست که اینجا در

واقع فاتحة الكتاب وحده تغییر کرده به موقعی که انسان عجله داشته باشد یا از چیزی بترسد.

استاد: خب این روایت را با روایت‌هایی که کمتر از یک سوره را واجب می‌کنند چه طور می‌شود حمل

کرد اینها را؟ اینها می‌گویند که حمد به تنهایی کفایت می‌کند، روایت‌های دیگر حالا اگر ما قائل به تبعیض

باشیم دارد که چند آیه باید خواند. آن وقت بین این‌ها و بین آن‌ها چه طور حمل می‌کنیم؟

تلمیذ: نافی هم دیگر نیستند.

استاد: نه، می‌گوید تجوز وحدها، تنهایی کافی است.

تلمیذ: یعنی سوره کامله لازم نیست.

استاد: کدام؟

تلمیذ: همین روایت حلبی و علی بن رثاب می‌گوید فاتحة الكتاب کافی است، سوره کامله بخوان، یعنی

منظورش این است ...

استاد: یعنی می‌خواهیم بگوئیم که سوره کامله‌ای که باید در نماز خواند آن حمد است، این منافات ندارد

با این که چند آیه هم باید بخوانیم. بله، این حمل درست است. پس این روایت ...، می‌دانید ایشان منظورشان

چه بود؟ روایت این را می‌خواهد بفرماید که اگر قرار بر این باشد که یک سوره در رکعت خوانده بشود همان

حمد است، همان حمد کافی است بقیه‌اش چند آیه از قرآن. و این روایت‌ها همین طور که ایشان فرمودند دلیل

محکمی است بر اینکه ما برای صلاة فریضة احتیاج به سوره کامله نداریم.

تلمیذ: فقط یک ایرادی که اینجا هست این است که - محقق کرکی (ثانی) هم اشاره کردند - این روایت

دوم حلبی که تغییر می‌کند، در واقع مقید هست، می‌آید و آن دو تا روایت علی بن رثاب آن روایت حلبی را

مقید می‌کند یعنی به جایی که عجله داشته باشد یا ترس داشته باشد. یعنی اطلاق آن دو تا روایت به قید این

یک روایت مقید می‌شود.

استاد: بله. روایت سوم هم خب هست منتهی روایت سوم همان است مثل اینکه. روایت سوم علی بن

رئاب است عن حلبی عن ابی عبداللّه، خب در اینجا بین آن روایت علی بن رئاب و بین روایت سوم، روایت بالا، طبعاً یک سقطی در اینجا شده دیگر، یعنی در واقع روایت بالا می‌شود مرسل، یعنی روایت اول بالنسبه به روایت دوم می‌شود مرسل.

تلمیذ: اصلاً اسنادش فرق می‌کند. هر سه روایت اسنادش فرق می‌کند.

استاد: اسناد فرق می‌کند. این علی بن رئاب یعنی دو تا روایت دارد: یکی خودش از ابی عبداللّه شنیده، یکی این که علی بن رئاب از حلبی شنیده، آیا این طور است یا اینکه نه، در آن روایت بالا حلبی حذف شده؟

تلمیذ: حسن بن محبوب هر دو را نقل کرده از علی بن رئاب، یکی را با حلبی یکی را بدون حلبی.

استاد: یعنی دو تا روایت است یا یک روایت است و در یکی سند حذف شده؟

تلمیذ: بله. احتمال دارد.

استاد: قاعداً باید یک روایت باشد منتهی بین آن سند حذف شده. عرض کنم حضورتان که بین همین دو تا روایت ما می‌توانیم بگوئیم که منظور حضرت از اذا ما اعجلت به حاجة او تُخوفُ شیءً این است که حضرت دارند بیان مورد می‌کنند، یعنی دارند بیان مصداق می‌کنند، کانه می‌خواهد بگوید وقتی که عجله داری زود چند آیه بخوان و برو. جوابی را که ما می‌توانیم در اینجا - بالاخره ما هم طلبه‌ایم دیگر - به حضرت بدهیم این است که خب اگر عجله مصحح برای تبعیض هست و در غیر عجله تبعیض نیست، خب شما توصیه بکنید یک قل هو الله احد بخواند، چرا این عجله را مصحح برای چند آیه از سور می‌دانید؟ پس بنابراین اعجلت به این معنایش بیان یکی از موارد است چون اگر صرف عجله، مصحح باشد و در غیر عجله مصحح نباشد، باید تمام بخواند، خب حضرت بفرمایند که در صورتی که عجله داری اذا جاء نصر الله را بخوان یا وقتی که عجله داری یک قل هو الله احد بخوان.

تلمیذ: یکی از وقتیهایی که می‌شود غیر از عجله و ترس باشد وقت غروب آفتاب است. همین مسئله ظاهراً روایت داریم وقتی که وقت تنگ است، در آخر وقت یک حمد بخوان، آن وقت ...

استاد: خب آن وقت تنگ مسئله‌اش...، اتفاقاً همین هست یعنی شما در واقع مؤید ما هستید.

تلمیذ: می‌خواهید بگوئید حمد نخواند فقط قل هو الله احد بخواند؟

استاد: نه خیر، منظورم این نبود. حضرت در این جا به جای یک سوره تمام چند آیه را کافی می‌دانند.

تلمیذ: قید وحدها دارد، این وحدها یعنی حمد تنها.

استاد: بله بله من اشتباه کردم. لا بأس بان یقرء الرجل من الفریضة بفاتحة الكتاب فی الركعتین اولتین اذا ما اعجلت به حاجة او تخوف شیئا، خب بله، البته ما در اینجا می‌توانیم به این وسیله توجیه کنیم که منظور حضرت در همان وقت [عجله]، نفس خود آن عجله نیست که عجله فقط مصحح هست زیرا این عجله با

فرض بکنید که یک سوره کوتاه هم حاصل می شود، با یک اذّا جاء نصر الله هم حاصل می شود، یعنی عجله این قدر زیاد است که یک آیه هم نمی شود خواند؟ یعنی چهار آیه یا سه آیه قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد... پنج ثانیه هم نمی شود، این هم نمی شود؟ این قدر عجله است؟ سوره حمد به این بزرگی را حضرت می گویند بخوان اما فرض بکنید که این سه آیه را نخوان؟ این دلیل می شود بر این که منظور حضرت فقط سوره حمد است. چند آیه از سوره قل هو الله ضرری نمی رساند، در وقتی که انسان خلاصه عجله ای دارد، نه عجله مشرف به موت که مثلاً فرض کنید که چیز است، می خواهد برود کاری انجام بدهد، فرض بکنید که از اتوبوس دارد جا می ماند، یا مثلاً وقت ضیق است، اگر واقعاً خواندن یک سوره مثل سوره توحید واجب بود، یعنی به این شدت، چه طور تکبیرة الاحرام در نماز واجب است به این شدت، چه طور طهارت در نماز واجب است به این شدت، چه طور قرائت رکوع...، حضرت نمی گویند رکوع نکن چون عجله داری، نه می گویند رکوع را بکن، حضرت نمی گویند چون عجله داری دو سجده را به جا نیاور بجایش یک سجده بجا بیاور، نه، اما فقط چه شد راجع به سوره اگر عجله داری ولش کن؟ این که نمی شود.

تلمیذ: اذکار را که نمی شود حذف کرد

استاد: احسنت، همین. این منظور این است که قوام یک رکعت به یک سوره کامل نیست. آن قوامش به همان سوره حمد است که در اینجا هست.

تلمیذ: حدیث اول باب چهارم هم می تواند مؤید باشد.

استاد: حدیث اول باب چهارم؟

تلمیذ: یعنی شما می خواهید بفهمید اینجا از همین باب مورد است؟

استاد: بله؟

تلمیذ: اینجا حضرت دارند مورد را بیان می کنند؟

استاد: بله. اینجا فقط دارند مورد را بیان می کنند.

تلمیذ: اگر این که بیانشان مطلق باشد دیگر چه احتیاجی به مورد هست که بخواهند وقت تنگی یا عدم

وقت تنگی را بیان کنند؟

استاد: آخر حضرت وقتی که می گویند یک سوره کفایت می کند بلند شوند بیایند به همه افراد بگویند

سوره حمد را بخوان دیگر بقیه را نمی خواهد بخوانی؟ این درست است؟

تلمیذ: نه، جنابعالی فرمودید که این از باب بیان مورد است...

استاد: حضرت می خواهند در اینجا...

تلمیذ: درست نیست مورد را معین کنند وقتی که...

استاد: نه، حضرت می‌خواهند در اینجا آن اهمیت مسئله را روی حمد ببرند نه روی سوره. می‌گویند مهم در رکعت، حمد است. حالا اگر یک وقت عجله داری سوره را هم حذف کردی، عیب ندارد.

تلمیذ: یعنی وجوب ندارد؟

استاد: وجوب ندارد.

تلمیذ: پس در این صورت همه با هم کفایت می‌کند.

استاد: بله با هم کفایت می‌کند. این را حضرت می‌خواهند بگویند نه اینکه حضرت بخواهند بگویند [حمد کفایت می‌کند اصلاً سوره را نخوان ولو اینکه] در حال عادی و اینها باشیم.

تلمیذ: در روایت دیگر داریم در علل [الشرايع] که اقل ما يجب في الصلاة و القرآن الحمد و سورة؟

استاد: و؟

تلمیذ: یعنی اقل ما در اینجا غیر از حمد یک سوره سه آیه‌ای است.

استاد: بله. این کدام روایت است؟

تلمیذ: این را من از بحار [الانوار] نقل کردم

استاد: بله. این هم تأیید می‌کند نظر ایشان را که منظور از سوره‌ای که سه آیه داشته باشد منظور سه آیه

بودن است نه سوره‌ای که سه آیه داشته باشد.

تلمیذ: منظور این است که محتوای کامل داشته باشد.

استاد: یعنی منظور این است که - حالا به عبارت امروزیها - یک پاراگراف کامل باشد حالا ولو آن که آیه

آیه ارث باشد که فرض بکنید که چند سطر است،... یک آیه تمام است.

تلمیذ: شما فرمودید سوره بعد از حمد واجب نیست در حالی که اینجا می‌گوید اقل ما يجب؟

استاد: سوره واجب نیست، حمد واجب است. حالا که سوره واجب نیست حضرت می‌فرماید در حال

عادی چند آیه بخوان، در حال عجله آن چند آیه را هم نمی‌خواهد بخوانی. اگر اهتمام سوره مثل حمد بود

خب حضرت می‌گفتند سه آیه قل هو الله را بخوان یا...

تلمیذ: زمان مرحوم آقا بعضی از رفقا وقتی که شنیدند نظر ایشان تبعیض سوره است می‌گفتند بسم

الله الرحمن الرحيم ق، بعد می‌رفتند رکوع!

استاد: نه، آن نه. البته نظر خود ایشان این نبود.

تلمیذ: بله. تبعیض سوره را این طوری...

استاد: نه، حمد که تمام شد مدهامتان، یک آیه مثل آن که...! نه، این که نیست. یک پاراگراف باید

تمام بشود، این است.

تلمیذ: ببخشید این پاراگراف را ما از کجا روایت در بیاوریم؟

استاد: خب همین دیگر، یعنی ما حالا می‌خواهیم همین را بگوئیم، می‌خواهیم بگوئیم که از این روایات

این در می‌آید یا نه؟ ما که نظر خودمان را هنوز نگفتیم، ما می‌خواهیم ببینیم نظر حضرت‌تعالی چیست؟

تلمیذ: ما نظری نداریم. قید وحدها یک مقداری سؤال ایجاد می‌کند...

استاد: خب ببینید اینکه وحدها...

تلمیذ: خواسته که جواز را بگویند...

استاد: تجوز وحدها فی الصلاة به تنهایی، این یک مسئله‌ای به نظر می‌رسد بالاتر از آن چه که شما

می‌خواهید بفرمائید، در آن که لاصلاة الا بفاتحة الكتاب یعنی اصل و قوام صلاة به فاتحة الكتاب است، خب

این مسئله درست است اما در اینجا دارد ان فاتحة الكتاب تجوز وحدها فی الصلاة، جایز است، تنهایی در

نماز این فاتحة الكتاب جایز است، کسی قائل به حرمت نشده تا اینکه جواز در مقابل حرمت باشد. حتی اهل

تسنن در این که فاتحة الكتاب اصل است، در این شک ندارند، حالا در بسم الله آن مشکوک است، بعضی‌ها

اخفا می‌آورند اما بعضی‌ها هم نمی‌آورند اما در اصل خود حمد، مسئله اختلافی نیست که نسبت به حمد کسی

قائل به حذف فاتحه الكتاب باشد. قطعاً در این جا این تجوز وحدها این برمی‌گردد به کفایت. معنای تجوز

در اینجا کفایت است، خب این کفایت در این جا هست، از آن طرف روایت دیگر اذا ما اعجلت به حاجة

یعنی یک حاجتی او را می‌خواند و او را به عجله وا می‌دارد، او تخوف شیئاً یا مثلاً ترس از چیزی دارد که

فوت بشود، قرائت فاتحة الكتاب در اینجا کفایت می‌کند. خوب این را همان طوری که عرض کردم ما

می‌توانیم حمل بر این مسئله بکنیم. حالا...

تلمیذ: پس روایت اول و سوم ناقص می‌ماند.

استاد: کدام؟

تلمیذ: روایت اول و سوم از باب دوم.

استاد: نه، ممکن است اعجلت به این مبین این باشد، مقید باشد، اشکال ندارد. خب حالا غیر از این‌ها

چه فهمیده می‌شود؟ غیر از این چیزی که آقایان در اینجا...

خب اصل دلیل دو تا روایت یا روایات متعددی است. یک عده از روایات دلالت بر عدم جواز [تبعیض

سوره در نماز] می‌کنند که روایاتش هم روایات کمی است. روایات دیگر دلالت بر تبعیض می‌کند. از خود

روایات صرف نظر از آن، آیا به روایتی برخورد کردید که مبین مسئله باشد؟ صرف نظر از جنبه اطلاق و تقیید

و این چیزهای اصطلاحی، آیا در این‌ها روایاتی که لم مسئله را بیان کرده باشد که آن فقاهت حدیث و فهم

الحدیث را به انسان برساند که منظور امام علیه السلام از این مسئله چیست؟ بالاخره نظر شرع و فهم الحدیث

در شرع آیا وجوب [قرائت سوره کامله را] بیان می کند یا جواز تبعیض را بیان می کند؟ در این روایت‌ها [به این نوع روایت] بر خورد نکردید؟
تلمیذ: ...

استاد: حالا این روایت را می شود ما بر نافله حمل کنیم یا نه؟

تلمیذ: در روایت دارد که صلی بنا

استاد: صلی بنا دلالت بر جماعت می کند. خب ظاهر قضیه دلالت بر جماعت می کند، بسیار خب.
تلمیذ: از آن جایی که مخالفین تبعیض سوره تأکید کردند روی همین دو تا روایت صحیح حلبی و علی بن رئاب و دلیلی هم که آوردند دلیل اصلی اش را بعد از اجماع و موافقت عامه، روایت منصور بن حازم آوردند، از اینجا متوجه می شویم که اصل و اساس در این روایاتی که هست همان روایات علی بن رئاب و صحیح حلبی است. دلیل اصلی که آنها دارند همان روایت منصور بن حازم است.
استاد: آن روایت چیست؟

تلمیذ: منصور بن حازم همین؟ اقل من سوره و لا باکثر، پس اگر ما بتوانیم آن روایات علی بن رئاب و صحیح حلبی را در واقع بماسانیم و این را هم توجیه بکنیم دیگر ما مشکلی نداریم و مسئله حل است، باضافه این روایتی که تقسیم سوره را جایز می دانند و چند تا روایات هم است.
استاد: خب عامه نسبت به این قضیه چه نظری داشتند آن موقع؟ راجع به این قضیه کسی تحقیق نکرده؟

در آن موقع عامه سوره کامله می خواندند یا بعضی از سوره را؟ در آن زمان، در زمان امام صادق و اینها.
تلمیذ: عبارت کتاب خلاف را نوشتم، الظاهر من روایات اصحابنا و اصحابهم ان قرائت سوره الاخری مع الحمد واجبة فی الفرائض و لا؟ اقتصار علی اقل منها و به قال بعض اصحابنا ان ذلک مستحب و لیس؟ و به قال بعض اصحاب الشافعی بعض اصحاب شافعی با بعض اصحاب ما در این که سوره کامله واجب نیست موافق هستند. این فقط از شافعی نقل کرده، از ...

تلمیذ: از آیات قرآن یک جایی دیدم که نهی کردند از خواندن مدهامتان، یعنی ...

تلمیذ: بعد آنجا هم دارد که ابوبکر بن ... نقل می کند انه قال لا صلاة الا بفاتحة الكتاب و ثلاث آیات بعدها و هذا قدر اقصر السوره،؟ معتقد هستند به این که بعد از حمد یک مقدار معتنابهی از قرآن که حداقلش سه تا آیه است خوانده بشود.

استاد: بله.

تلمیذ: به زبان عربی

استاد: این کراهت را باید حمل بر چه کرد؟

تلمیذ: به زبان عربی

استاد: پس بنابراین نظر همه این شد که تبعیض اشکالی ندارد. این طور است؟ یعنی کسی نسبت به این قضیه اشکال ندارد؟

تلمیذ: به زبان عربی

استاد: علی کل حال شما جواب بدهید، بالاخره ما از شما جواب می‌خواهیم. اشکال ایشان چه می‌شود؟ تلمیذ: حداقلش این است که دلالت بر وجوب سوره کامله نمی‌کند. دلالت بر وجوب سوره کامله نمی‌کند ولی [تبعیض سوره] کراهت دارد...

استاد: از لا بأس چه طور اینها آمدند اگره را دلالت بر حرمت کردند؟

تلمیذ: از قرینه تقیه...

تلمیذ: تقیه در اینجا ایجاب می‌کند که حضرت چون علی بن یقظین هست اگر بخواهد موافقت با عامه باشد حضرت به او بگویند که برو تبعیض سوره کن مثل عامه، نه اینکه بفرمایند اگره، من از تبعیض سوره کراهت دارم.

استاد: بله، این مسئله خلاف تقیه است. یعنی وقتی که عامه، آن‌ها بعضی از سوره می‌خوانند پس بنابراین این که حضرت دارند که یک سوره باید بخوانی، این‌ها خلاف تقیه می‌شود همان طوری که علی بن یقظین و اینها...

تلمیذ: یعنی وجوب پیدا می‌کند؟

استاد: نه دیگر، اگر قرار باشد تقیه باشد حضرت باید به آن‌ها بگویند که ثلاث آیات بخوان، بخاطر این که علی بن یقظین در دم و دستگاه آن‌ها بوده.

تلمیذ: همان طور که به علی بن یقظین فرمودند وضو را مثل عامه بگیر.

استاد: مثل عامه باشد. پس همه نظرشان موافق است دیگر؟ موافق بر تبعیض است، شدیم سنی!

تلمیذ: فقط مشکلی که هست چون موافق با عامه است این است که اکثراً احتیاط می‌کنند که حتی شیخ طوسی در نهایت هم می‌گویند افضل، تبعیض است. حالا احتیاط می‌کنند چون موافق با عامه است درحالی که موافقت با عامه یکی از ترجیحات و مرجحاتی است که بعد از اینکه...

استاد: بله بعد از این که آن مراتب طی بشود و الا هر چیزی که... انشاءالله در جلسه بعد ما یک قدری می‌آئیم راجع به این قضیه توضیح می‌دهیم، یک قدری حرف اینجا هست.

تلمیذ: ...؟

استاد: نه آن وقت نمی‌گویند که تجوز می‌گویند که تجب، امام می‌فرمایند تجب الحمد و حدها، اینجا

دارد تجوز الحمد وحدها.

تلمیذ: لا صلاة الا بفاتحة الكتاب داریم دیگر

استاد: حضرت اینجا تجوز آوردند تجب که نیاوردند.

تلمیذ: می شود اشکال کرد که حمل بر کراهت بشود؟ در حالی که اصل اولی مطلوبیت و محبوبیت؟ اینهایی که مجوز بر تبعیض هستند لا تقرأ را حمل بر کراهت کردند،؟ این لای ناهیه را دلیل بر حرمت نگرفتند.

استاد: شاید منظورش این است که این نباید بخواند منتهی دلش می خواهد زیاد خوانده بشود

تلمیذ: نه یک سوره کامل خوانده بشود، آنها که استفاده و جوب می کنند سوره کامل را استفاده می کنند.

آنهایی که قائل به جواز تبعیض هستند این روایات را حمل بر کراهت می کنند. ما فقط بحث جواز نداریم، بله

آن جایز است، این برای یک عمل مکروه جایز است پس اولویت بر سوره است. در حالی که سیره ائمه در این

چند روایت که ما داشتیم می بینیم که خودشان هم تعلیم می دادند و هم می خواندند.

استاد: نمی توانیم بگوئیم منظور یک بیان و روش عام است که کسی بطور دائم چند آیه [بیشتر] نخواند.

منظور مکروه یک بیان و یک عادت بشود، این طور می توانیم بگوئیم.

تلمیذ: بله که همان مصداق ما تیسر من القرآن بشود که هم می شود سوره را همیشه خواند هم می شود

آیه را.

استاد: هم آیه را. حالا بینیم.

تلمیذ: در جواز سوره کامله که بحث نیست.

استاد: بله. نه در جوازش و نه در رُحجان آن، علی کل حال،

اللهم صل علی محمد و آل محمد